سبک زندگی قرآنی بر مدار عدالت، احسان و اکرام می‌گردد و هرگز هیچ گونه ظلم وستمی هرچند به اندازه مثقال ذره‌ای را برنمی‌تابد. البته از آنجا که پیامبر(ص) دعوت به مکارم اخلاقی کرده و می‌کوشد مؤمنان را براساس آن تربیت کند، پس زندگی قرآنی نخست بر مدار اکرام و در مرتبه نازلتری بر مدار احسان و در مرتبه پست‌تری در مرتبه عدالت خواهد بود. نویسنده با مراجعه به آموزه‌های اسلامی سبک زندگی در تعاملات و معاشرت خانوادگی را تبیین کرده است.

بررسی نحوه رفتار همسران و فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات

تعاملات خانوادگی در سبک زندگی دینی

*شمس الدین بهاری

معاشرت برپایه قاعده طلایی

خداوند در آیه ۱۹ سوریه نساء درباره معاشرت خانوادگی می‌فرماید: عاشرو هن بالمعروف فان کرهنمو هن فعسی ان تکر هوا شیئا و یجعل‌الله فیه خیرا کثیرا؛ با زنان به شایستگی رفتار کنید و اگر به جهتی از آنها خوشتان نمی‌آید، چه بسا چیزهایی که ناپسند شماست، در حالی که خداوند در آن، خیر فراوانی برای شما قرار داده است.

رفتار بر پایه معروف و پسندیده به معنای رفتار بر پایه همه خوبی‌ها، خیرات و فضایلی خواهد بود که عقل و عرف و شرع آن را پسندیده می‌شمارند. براساس قاعده طلایی «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند» انسان می‌بایست بهترین‌ها را برای دیگران بخواهد، آن طور که دوست دارد دیگران نیز چنین رویه و رفتاری را با او در پیش گیرند.

شخصی نزد پیامبر(ص) آمد تا عملی را بیاموزد که بدان خود را همواره مورد سنجش قرار دهد و بتواند نسبت خود را با خدا و بهشت ارزیابی کند. در روایت آمده است: شخصی از پیامبر اسلام پرسید: «ای فرستاده خدا! کاری به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله‌ای نباشد.»

پیامبر فرمود: «عصبانی مشو و از مردم چیزی طلب مکن و آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم نیز همان را بپسند» (امالی طوسی، ص۵۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۲۲؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۷۲ و ج ۴۷، ص ۴۷، ص۱۲۵)

در جایی دیگر آمده است که عرب بادیه‌نشینی نزد پیامبر آمد و رکاب شتر پیامبر را گرفت و گفت: ای رسول خدا! چیزی به من یاد بده که به وسیله آن وارد بهشت شوم!

پیامبر فرمود: «آنچه را که دوست داری دیگران نسبت به تو روا دارند، تو نیز همان را نسبت به آنان روا دار؛ و آنچه را که ناپسند می‌داری که دیگران نسبت به تو انجام دهند، تو نیز آن را در حق آنان انجام مده. اینک،رکاب شتر مرا رها کن! (کافی، ج ۲ ص ۱۴۶)

همچنین آن حضرت در نصیحتی به علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) فرمود: ای علی! هر چه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند و آنچه برای خود

به فرموده امام صادق(ع): هیچ زنی نباید بیش از سه روز ترک آرایش و زینت کند مگر زنی که شوهرش از دنیا رفته است که چنین زنی باید تا پایان عده وفات (چهار ماه و ده روز) زینت و آرایش را ترک نماید.

می‌خواهی برای دیگران هم بخواه؛ در این صورت در قضاوت خویش دادگر و در دادگری‌ات یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه اهل زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا به خواست خدا به خاطر بسپار و بر آن محافظت نما. (تحف العقول ۷ ص ۱۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۸۶).

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: خودت را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه که برای خود دوست می‌داری، برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم مپسند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

براین اساس اگر شخص در جامعه و در تعاملات و معاشرت عمومی با مردم باید مراعات این قاعده طلایی را بکند، به طریق اولی باید در تعاملات و معاشرت خانوادگی این اصل را مراعات نماید.

مراعات انصاف و احسان با خانواده

انصاف به معنای نصف و نیمه کردن، به این معناست که در کارها به گونه‌ای رفتار کنیم که همواره کفه ترازو در حالت اعتدال باشد و کفه‌ای سنگین‌تر نباشد. بنابراین در هر کاری که انجام می‌شود، انسان ضرر و زیان را مساوی میان خود و شریک تقسیم کند و کاری نکند که به او بی‌انصافی شود و کفه‌اش سنگین‌تر باشد. البته ممکن است که انصاف، اقتضای عدالت نباشد، ولی انسان برای اینکه ضرر کمتری را به دیگری تحمیل کند، بخشی از ضرر را خود متحمل می‌شود تا این گونه نوعی ایثارگری داشته باشد.

وقتی انسان براساس اصل عدالت عمل می‌کند مقابله به مثل می‌کند و بدی را با بدی و نیکی را با نیکی پاسخ می‌دهد (بقره، آیه ۱۹۴؛ یونس، آیه ۲۷؛ نحل، آیه ۱۲۶)؛ اما وقتی براساس انصاف رفتار می‌کند، بر آن است تا مطابق قاعده طلایی رفتار کند و خود را در وضعیت دیگری قرار می‌دهد و می‌گوید اگر خودم در جایگاه او بودم دوست داشتم چگونه بامن تعامل کنند؟ در این زمان است که دوست می‌دارد که انصاف از در احسان صورت گیرد و فراتر از مقام عقل و عدل، از مقام قلب و عاطفه انسانی با او رفتار شود. این همان باب انصاف است که هر کسی دوست دارد با او چنین رفتار شود.

امیر مؤمنان امام علی(ع) می‌فرماید: خودت و خانواده‌ات و نزدیکانت و کسانی که به آنان علاقه‌داری، با مردم منصفانه رفتار کنید و با دوست و دشمن به عدالت رفتار نمایید. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۳۹۴، ح ۹۱۰۱).

پس در تعاملات خانوادگی باید به طریق اولی اصل انصاف مراعات شود؛ زیرا بنیاد خانواده بر محبت، مودت، مهر و رحمت است که به حوزه قلب و عواطف ارتباط دارد تا آرامش و سکونت در خانواده حاکم شود و روابط خانوادگی گرم و صمیمی گردد؛ چرا که انصاف تعامل مبتنی بر نوعی احسان و ایثار و از خودگذشتگی است تا کمتر ضرر و زیانی متوجه طرف مقابل شود که حتی ممکن است خطاکار باشد.

خداوند در بیان مبانی، اصول و اهداف تشکیل خانواده می‌فرماید: از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا به وسیله آنها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. (روم، آیه ۲۱).

امام سجاد(ع) در تبیین حقوق زن به این اصول و اهداف اشاره کرده و می‌فرماید: حق زن آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده است، همچنین بر هر یک از شما واجب است که خداوند را به خاطر وجود دیگری ستایش کند و بداند که او نعمتی است که خداوند ارزانی داشته و واجب است که با نعمت خداوندی رفتار نیک داشته باشد و او را گرامی بدارد و با او سازگاری کند و هر چند حق تو بر زنت بیشتر است و فرمان‌پذیری از تو، در هرچه دوست می‌داری یا نمی‌پسندی، تا آنجا که گناه نباشد، بر او لازم‌تر است، در هر حال او این حق را دارد که از تو مهربانی ببیند و از همدمی تو برخوردار شود و حق دارد که در برآوردن کامی که به ناچار باید برآورده شود، آرامش و آسایشش تامین شود و این حقی بس بزرگ است و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست. (تحف‌العقول، ص ۲۶۱)

از تعریفی که برای انصاف گفته شد معلوم می‌شود که انصاف از مصادیق احسان است؛ زیرا در احسان عواطف در کنار عقل قرار می‌گیرد و انسان فراتر از عدالت می‌خواهد از حقوق خود بگذرد.

در آیات قرآن روابط اجتماعی بر سه اصل عدالت و احسان و اکرام تعریف شده است. البته عبور از مقام عدالت به مقام احسان سخت و دشوار است؛ زیرا شخص باید از حق خود بگذرد و به نوعی ایثار کند.

از مصادیق احسان، همان عفو و گذشت از خطاکار و گناهکار است؛ چنانکه خداوند عفو از قاتل را به عنوان مصداقی از احسان مطرح می‌کند. (بقره، آیه ۱۷۸)

خداوند در آیه ۲۲ سوره نور می‌فرماید: اگر شما دوست دارید که خداوند از شما بگذرد پس شما هم عفو و گذشت داشته باشید؛ یعنی همان قاعده طلایی را در حق دیگران اجرا کنید.

اکرام؛ نهایت عمل پسندیده

در آموزه‌های قرآنی از اکرام به عنوان برترین فضیلت یاد شده است که تنها کسانی به این مقام می‌رسند که در مرتبه تقوای اخص باشند.

بر اساس آیه ۸ سوره مائده عدالت مرتبه اول تقوای الهی است که از آن به تقوای عام یاد می‌شود. از این رو خداوند در این آیه فرمان می‌دهد که عدالت را مراعات کنید که آن نزدیک‌ترین رویه در رسیدن به تقوایی است که ما از آن به تقوای عام یاد می‌کنیم. خداوند می‌فرماید: اعدلو هو اقرب للتقوی؛ عدالت ورزید که آن نزدیک‌تر، به تقواست.

اما در آیه ۲۳۷ سوره بقره، احسان در قالب عفو را مرتبه دوم تقوای الهی می‌داند که همان مرتبه تقوای خاص است. خداوند این مرتبه را نیز اقرب به تقوای الهی معرفی کرده و می‌فرماید: و ان تعفوا اقرب للتقوی؛ و این که عفو کنید که به تقوای الهی نزدیک‌تر است. در احسان نه تنها بدی را با بدی جواب نمی‌دهد بلکه از بدی او می‌گذرد و عفو می‌کند.

اوج مراتب تقوا را کسی داراست که اهل اکرام باشد؛ چنین شخصی نه تنها عفو می‌کند، بلکه پاسخ بدی را با انواع خیرها و نیکی‌ها می‌دهد؛ چنانکه امام حسن(ع) در برابر مرد شامی که دشنام داد عمل کرد و نه تنها مقابله به مثل بر اساس عدالت نکرد، بلکه بر اساس قاعده احسان، عفو کرد و بر اساس قاعده اکرام او را مهمان خود نمود.

اما اوج مراتب تقوا را کسی داراست که اهل اکرام باشد؛ چنین شخصی نه تنها عفو می‌کند، بلکه پاسخ بدی را با انواع خیرات و نیکی‌ها می‌دهد؛ چنانکه امام حسن(ع) در برابر مرد شامی که دشنام داد عمل کرد و نه تنها مقابله به مثل بر اساس عدالت نکرد، بلکه بر اساس قاعده احسان، عفو کرد و بر اساس قاعده اکرام او را مهمان خود نمود.

خداوند در آیه ۲۷ سوره فرقان درباره عبادالرحمن می‌فرماید: و اذا مرو باللغو مروا کراما؛ و چون بر کار لغو و بیهوده‌ای بگذرند با کرامت و بزرگواری می‌گذرند.

بنا بر این، مومن می‌بایست در رفتار خانوادگی فراتر از عدالت و احسان بر مدار اکرام رفتار کند. از این رو امام باقر(ع) می‌فرماید: ان اکرمکم عندالله اشدکم اکراما لحلائلهم؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشتر به همسر خود اکرام کند و احترام بگذارد. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸، ح ۶)

مسئولیت همسران در قبال یکدیگر

در آیات و روایات به تکالیف و مسئولیت‌های متقابل همسران در کنار حقوق آنان پرداخته شده است. البته هر تکلیفی برای همسری، حقی برای او ایجاد می‌کند؛ زیرا در باطن هر حقی تکلیفی و در باطن هر تکلیفی حقی نهفته است.

پیامبر(ص) درباره مسئولیت‌های متقابل همسران می‌فرماید: مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می‌شود و زن، سرپرست خانه شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می‌شود. (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۵)

انجام مسئولیت‌های متقابل زمینه‌ساز بهره‌مندی از بهشت و برکاتی از جمله شفاعت در روز قیامت است. پیامبر(ص) می‌فرماید: ایما امراةٌ ماتت و زوجها عنها راض دخلت الجنةٌ؛ هر زنی، از دنیا برود و شوهرش از او راضی باشد، به بهشت می‌رود. (نهج‌الفصاحه، ح ۱۰۲۲) امام باقر(ع) نیز می‌فرماید: لا شفیع للمراه انجح عند ربها من رضا زوجها؛ هیچ شفاعت‌کننده‌ای برای زن نزد پروردگارش نجات‌بخش تر از رضایت شوهرش نیست.(خصال، صدوق، ص ۵۸۸)

رضایت‌مندی از یکدیگر

زن و شوهر باید کاری کنند که هر دو از یکدیگر راضی باشند. امام علی(ع) درباره رفتار و سیره خود و فاطمه(س) می‌فرماید: به خدا سوگند که هرگز بر فاطمه(س) غضب نکردم و او را به کاری مجبور نساختم، تا آنکه خداوند عزوجل او را به نزد خویش برد و او نیز مرا خشمگین نساخت و هرگز برخلاف خواست من عمل نکرد و من هرگاه به او نگاه می‌کردم، غصه‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد. (کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳)

پیامبر(ص) می‌فرماید: هر زنی که شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب‌ها عبادت کند و بنده‌ها آزاد نماید و مال‌ها در راه خدا انفاق کند، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی‌پذیرد، تا آنگاه که به شوهرش کمک کند و او را از خود راضی کند وگرنه آن زن اولین کسی است که به جهنم می‌رود. سپس فرمودند: مرد هم اگر همسر خود را اذیت کند یا به او ظلم نماید، چنین گناه و عذابی خواهد داشت. (ثواب‌الاعمال، ص ۳۳۵، ح ۱)

البته انسان به طور طبیعی هنگام خطا و گناه خشم می‌گیرد ولی باید خود را مهار و مدیریت کند و دیرخشم و زودخشنود باشد. پیامبر(ص) می‌فرماید: بدانید که بهترین انسان‌ها کسانی هستند که دیر به خشم آیند و زود راضی شوند و بدترین انسان‌ها کسانی هستند که زود به خشم آیند و دیر راضی شوند. (نهج‌الفصاحه، ح ۴۶۹)

در این صورت است که مورد رضایت خداوند قرار می‌گیرند و شرایط زندگی آنان بهبود می‌یابد؛ چنانکه پیامبر(ص) در جایی دیگر می‌فرماید: هرگاه خداوند برای خانواده‌ای خیر بخواهد، آنان را در دین دانا می‌کند، کوچکترها بزرگترهایشان را احترام می‌نمایند، مدارا در زندگی و میانه‌روی در خرج کردن را روزی‌شان می‌نماید و به عیوبشان آگاهشان می‌سازد، تا آنها را برطرف کنند و اگر برای آنان جز این بخواهد، به خودشان واگذارشان می‌کند. (نهج‌الفصاحه، ح ۱۴۷)

هم سفره‌ای و هم‌غذایی

برخی از کارها و اعمال با آنکه ساده است ولی عامل تقویت ارتباطات و تحکیم روابط خانوادگی می‌شود. از جمله این امور نشستن در کنار هم و خوردن غذا است. پیامبر(ص) برای همین بر این امور تاکید داشته و می‌فرماید: خداوند، مومن و خانواده و فرزندانش را دوست دارد. محبوب‌ترین چیز نزد خداوند آن است که مرد را با زن و فرزندانش بر سفره‌ای ببیند که از آن غذا می‌خورند. پس در آن هنگام که بر سفره گرد آیند، به آنها نگاهی مهربانانه می‌کند و آنها را پیش از آنکه از جای خود متفرق شوند، می‌آمرزد. (تنبیه الغافلین، ص ۳۴۳، ح ۴۹۸)

پیامبر(ص) همچنین می‌فرماید که مرد می‌بایست غذایی که همسرش دوست دارد بخواهد و آن را میل کند تا این‌گونه صفا و صمیمیت میان آنان افزایش یابد. ایشان می‌فرماید: المومن یاکل بشهوه اهله، المنافق یاکل اهله بشهوته؛ انسان با ایمان مطابق میل و رغبت خانواده‌اش غذا می‌خورد، ولی منافق میل و رغبت خود را به خانواده‌اش تحمیل می‌کند. (کافی، ج۴، ص۱۲، ح ۶)

در آیات قرآن روابط اجتماعی بر سه اصل عدالت و احسان و اکرام تعریف شده است. البته عبور از مقام عدالت به مقام احسان سخت و دشوار است؛ زیرا شخص باید از حق خود بگذرد و به نوعی ایثار کند.از مصادیق احسان، همان عفو و گذشت از خطاکار و گناهکار است؛ چنانکه خداوند عفو از قاتل را به عنوان مصداقی از احسان مطرح می‌کند.

آرایش زن برای همسر

انسان زیباترین موجود و آفریده هستی است و خداوند وقتی انسان را آفرید و به حالت استوار درآورد بر خود آفرین گفت: فتبارک‌الله احسن الخالقین. (مومنون، آیه ۱۴)

انسان نیز زیبایی را دوست می‌دارد و دنبال زینت‌ها می‌رود. (حدید، آیه ۲۰) بر زن و مرد است که زیبایی را مراعات کرده و به آراستگی خود بپردازند؛ چرا که آراستگی و زینت‌های حلال دنیا برای مومنان است. هرچند زنان از شنیدن لذت می‌برند و گوش آنان برای شنیدن حرف‌های خوش و زیبا آماده است؛ اما مردان از راه چشم لذت می‌برند. پس بر زن است که خود را بیاراید. پیامبر(ص) می‌فرماید: همان حقوقی که لازم است مرد در رابطه با همسر خود رعایت کند، بر زن نیز لازم است، اینکه شوهر، خود را برای همسر خویش آراسته کند؛ همان‌گونه که زن، خود را در غیر گناه برای همسر خویش آراسته می‌کند. (الفردوس، ج۵، ص ۵۲۱، ح ۸۹۵۳)

رسول اکرم(ص) فرمود: بهترین زن، زنی است که بیشتر برای شوهرش آرایش و زینت می‌کند اما از بیگانگان خود را می‌پوشاند. (تهذیب، ج۷، ص ۴۰۰)

به فرموده امام صادق(ع): هیچ زنی نباید بیش از سه روز ترک آرایش و زینت کند مگر زنی که شوهرش از دنیا رفته است که چنین زنی باید تا پایان عده وفات (چهار ماه و ده روز) زینت و آرایش را ترک نماید. (وسایل‌الشیعه، ج۳، ص ۲۷۱)

باز امام صادق(ع) فرمود: سزاوار نیست که زن خودش را (در برابر شوهر) واگذارد، حتی اگر شده با آویختن گردنبندی خود را بیاراید. (میزان الحکمه، ج۵، ص ۲۲۹۹)

پیامبر(ص) فرمود: برای زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، جایز نیست برای مرده‌ای بیش از سه روز آرایش را ترک کند، مگر برای زوج خود که واجب است چهار ماه و ده روز آرایش نکند.

غیرت و امانتداری

مرد و زن باید اهل خیانت نباشند و نسبت به یکدیگر امانتداری کنند. البته شایسته مرد است که غیرت ورزد و دیگران را از حریم خویش دور نگه دارد و مردی را به حریم راه ندهد؛ ولی بر زن است که امانتداری کرده و به شوهرش خیانت نکند و مردی را به حریم خویش راه ندهد. امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی باغیرت است و هر باغیرتی را دوست دارد و از غیرتمندی اوست که زشتی‌های پیدا و ناپیدا را حرام کرده است. (کافی، ج۵، ص ۵۳۵، ح ۱)

امام علی(ع) درباره غیرت مرد می‌فرماید: از غیرت نابجا بپرهیز؛ چرا که این کار، زنان درستکار را به لغزش می‌کشاند؛ اما بر کار زنان، نظارت داشته باش و هرگاه گناهی از آنان دیدی، چه بزرگ و چه کوچک، از طریق نشان دادن ناخشنودی خویش، با آن برخورد کن و از مجازات کردن بپرهیز، چرا که گناه، بزرگ و تذکر، کم‌اثر می‌شود. (تحف‌العقول، ص ۸۷)

امام صادق(ع) با بیان یک قاعده اساسی می‌فرماید: به پدر و مادر خود نیکی کنید، تا فرزندانتان به شما نیکی کنند و نسبت به زنان مردم پاکدامن باشید، تا زنانتان پاکدامن باشند. (کافی، ج ۵، ص ۵۵۴، ح ۵)

اجتناب از بگومگو

جدال و مجادله حتی اگر حق باشد موجب کدورت و تیرگی روابط می‌شود. از این رو در خانواده بایست از هرگونه جدال و مجادله اجتناب کرد.

امام هادی(ع) می‌فرماید: بگومگو، دوستی طولانی را از بین می‌برد و رابطه محکم را به جدایی می‌کشاند و کمترین اثر بگومگو این است که هر کدام از دو طرف، می‌خواهد بر دیگری پیروز شود و همین در پی پیروزی بودن، مهم‌ترین عامل قطع رابطه است. (نزههٌ الناظر، ص ۱۳۹، ح ۱۱)

جدال، ریشه در بدخویی دارد که باید آن را ترک کرد، زیرا این گونه رفتارها زندگی را سخت و آرامش را سلب می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: سه چیز است که هر کس داشته باشد، زندگی بر او شیرین نیست: کینه، حسد و بداخلاقی. (غررالحکم، ح ۴۶۶۳)

رعایت مسایل جنسی

در آیات قرآن از جمله آیه ۵۸ سوره نور از سه زمان خلوت همسران سخن به میان آمده هیچ‌کس در آن سه وقت از شبانه‌روز حق ورود به خلوتگاه همسران را ندارد. البته این خلوت‌کردن‌ها موجب تحکیم روابط همسری می‌شود.

حضرت رسول(ص) می‌فرماید: بهترین زنانتان، زن زایا، بسیار مهربان و پاکدامن است که نزد خویشاوندان خود عزیز باشد و در برابر شوهرش فروتن و مطیع، خود را برای شوهرش بیاراید و از غیر او بپوشاند، سخن شوهرش را بشنود و فرمان او را اطاعت کند و چون شوهرش با او خلوت کند، خود را در اختیار او قرار دهد. (کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱)

اکرام نسبت به والدین و فرزندان

همان طوری که نسبت به همسر به ویژه زن باید اکرام روا داشت، نسبت به والدین و فرزندان نیز باید براساس اکرام رفتار و معاشرت داشت. خداوند در آیات قرآن بر احسان و اکرام والدین تاکید بسیار می‌کند. (بقره، آیه ۶۳؛ نساء آیه ۳۶، انعام، آیه ۱۵۱؛ اسراء، آیه ۲۳)

امام سجاد(ع) در تبیین حقوق فرزندان می‌فرماید: حق فرزند تو آن است که بدانی او از توست و در این جهان در نیک و بد خویش وابسته به توست و با تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق او مسئول هستی و براساس این مسئولیت پاداش می‌گیری و کیفر می‌بینی، پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر خویش آراسته می‌کند و تو به سبب حسن رابطه میان خود و او سرپرستی خوبی که از او کرده‌ای و نتیجه الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار خویش معذور باشی و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست. (تحف‌العقول، ص ۲۶۳)

آن حضرت(ع) درباره تعامل با مادر می‌فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را چنان در رحم خویش نگه داشته و پرورش داده که کس دیگری را بدان گونه برنگیرد و از میوه دل خود تو را چنان تغذیه کرده که هیچ کس دیگری را آن‌گونه غذا ندهد و به راستی تو را با گوش و چشم و دست و پا و پوست و تمام اعضا و جوارحش با خوش‌رویی و دلشادی نگهداری کرده و هر ناگواری و درد و سختی و نگرانی دوران بارداری را تحمل کرده، چنان که دست تجاوز آفات و بلا را از تو دور ساخته و تو را بر زمین نهاده و خشنود بوده است که تو سیر باشی و او خودش گرسنه ماند و تو لباس بر تن داشته باشی و او برهنه باشد و تو را سیراب سازد و خودش تشنه ماند و تو را در سایه قرار دهد و خودش زیر آفتاب به سر برد و با بیچارگی خود تو را نعمت دهد و با بی‌خوابی خود به تو لذت خواب را چشاند و شکمش ظرف وجود تو بوده و دامنش پرورشگاه تو و پستانش چشمه نوش تو و جانش نگهدارت بوده است. سرد و گرم دنیا را برای تو چشیده است، پس برای قدرشناسی از این همه ایثار و ازخودگذشتگی او را سپاسگزار باش و جز با یاری و توفیق خداوند نخواهی توانست این همه را قدردانی کنی. (تحف‌العقول، ص ۲۶۳)

امام صادق(ع) با بیان یک قاعده اساسی می‌فرماید: به پدر و مادر خود نیکی کنید، تا فرزندانتان به شما نیکی کنند و نسبت به زنان مردم پاکدامن باشید، تا زنانتان پاکدامن باشند.

پیامبر(ص) می‌فرماید: نظر الولد الی والدیه حبا لهما عباده؛ نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادرش، عبادت است. (تحف‌العقول، ص ۴۶)

ابی‌ولاد می‌گوید: معنای آیه «به پدر و مادرتان نیکی کنید را از امام صادق(ع) پرسیدم، فرمودند: نیکی به پدر و مادر این است که رفتارت را با آنها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند یعنی قبل از درخواست آنان، نیازشان را برطرف کنی.» (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸)

جایگاه تبرک در ادیان الهی

تبرک؛ بدعت یا مهرورزی

* بخش دوم و پایانی

*آیت‌الله جعفر سبحانی

در بخش نخست این مقاله، مستندات قرآنی و حدیثی تبرک- که وهابیان آن را بدعت شمرده موجب گمراهی می‌پندارند- مطرح و تبیین شد.
در این بخش، نمونه‌هایی از تبرک مسلمانان عصر نبوی به آثاری مانند: آب وضوی پیامبر، قبر پیامبر، قرآن مجید و... براساس احادیث وارده از اهل بیت(ع) بیان شده و به شبهات مطرح شده در این زمینه پاسخ داده می‌شود. با هم آن را از نظر می‌گذرانیم.

تبرک در روایات اهل بیت(ع)

در روایات ائمه اهل بیت(ع) تبرک به امور متعددی، مستحب شمرده شده است که برخی را یادآور می‌شویم:

تبرک به نام خداوند

امام حسن عسکری(ع) از جد بزرگوارشان امیرمؤمنان نقل می‌کنند که رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: کل امر ذی بال لم یذکر اسم‌الله فیه فهو ابتر[1]؛ هر کار مهمی که نام خدا در آن گفته نشود، به پایان نمی‌رسد.

تبرک به قرآن مجید

امام صادق(ع) از امیرمؤمنان نقل می‌کند: هر خانه‌ای که در آنجا قرآن خوانده و نام خدا آورده شود، برکت آن افزایش می یابد و فرشتگان حاضر می‌شوند و شیاطین را دور می‌کنند[2] و در همین باب روایاتی در مورد تبرک به قرآن وارد شده است.

تبرک به آب وضوی پیامبر(ص)

امام رضا(ع) می‌فرماید: از پدرم شنیدم، که او از پدرانش از جابربن عبدالله روایت کرد که رسول خدا در زیر خیمه‌ای چرمین وضو گرفت، بلال حبشی از خیمه بیرون آمد، در حالی که باقی‌مانده آب وضو را به همراه آورده بود، مردم هجوم آوردند و هرکس می‌توانست چیزی از آن آب به صورت خود زد و هرکس نتوانست از رطوبت دست دیگران تبرک جست.[3]

تبرک به تربت قبر پیامبر(ص)

آنگاه که پیامبر(ص) را به خاک سپردند، دخت گرامی ایشان، حضرت فاطمه(س) در کنار قبر آن حضرت ایستاد و مشتی از خاک قبر را برداشت و بر چشمان خود نهاد و گریست و دو بیت شعر سرود به این مضمون:

کسی که خاک پیامبر را ببوید،
باکی ندارد اگر در همه عمر هیچ عطری به مشامش نرسد، اندوه‌های فراوان بر من باریده است که اگر بر روزها ببارد به شب تبدیل می‌شوند.[4]

امام رضا(ع) می‌فرماید: رسول خدا در زیر خیمه‌ای چرمین وضو گرفت، بلال حبشی از خیمه بیرون آمد، در حالی که باقی‌مانده آب وضو را به همراه آورده بود، مردم هجوم آوردند و هرکس می‌توانست چیزی از آن آب به صورت خود زد و هرکس نتوانست از رطوبت دست دیگران تبرک جست.

تبرک به قبر پیامبر(ص)

علی‌بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم(ع) و او از پدرش امام جعفر صادق(ع) نقل می‌کند که وی همواره در کنار قبر پیامبر می‌ایستاد و بر او سلام می‌کرد و شهادت و گواهی می‌داد که او رسالت خود را ابلاغ کرده است. آنگاه رو به قبله می‌کرد و پشت خود را به سنگ سبزی که بر دیوار قبر بود، می‌چسباند و دعایی را می‌خواند.[5]

ابن فضال می‌گوید: امام هشتم را دیدم آنگاه که می‌خواست مدینه را برای عمره ترک کند، پس از نماز مغرب نزد قبر رسول خدا(ص) و بالای سر آن حضرت آمد، بر پیامبر سلام کرد و خود را به قبر چسبانید و آنگاه به سوی منبر پیامبر(ص) آمد، سپس به سوی قبر بازگشت و در کنار قبر ایستاد و نماز گزارد و دوش چپ خود را به قبر چسبانید.[6]

معاویه‌بن عمار می‌گوید: امام صادق(ع) فرمود: هرگاه از دعا در کنار قبر پیامبر(ص) فارغ شدید، به طرف منبر بروید و دست خود را به آن دستگیره‌ها بگذارید و آنگاه آن را بر دو چشم و صورت خود بکشید.[7]

منطق مخالفان تبرک به آثار کنونی رسول‌خدا(ص) و امامان(ع)

در آغاز سخن یادآور شدیم که تبرک، یک امر مسلم بین فقیهان اسلامی است و اگر اختلافی باشد، در برخی از موارد و مصادیق است، امروز زائران خانه خدا خواهان تبرک با ضریح و یا در و دیوار مسجدالنبی و مسجدالحرام هستند، ولی وهابیان به شدت از آن جلوگیری می‌کنند و دلیل آنان یک رشته اموری است که به آنها اشاره می‌شود.

۱- تبرک تنها به آثاری جایز است که با بدن پیامبر تماس داشته است

بن‌باز در نامه خود به آقای واعظزاده می‌نویسد: درست است که یاران رسول خدا(ص) با آثار وی تبرک می‌جستند، ولی تبرک آنها در مواردی بود که آن اشیا با پیامبر(ص) تماسی داشته‌اند، ولی در و دیوار دو مسجد و یا ضریح پیامبر(ص) تماسی با پیامبر نداشته و لذا نمی‌توان به آنها تبرک جست.[8]

پاسخ این استدلال روشن است:

اولا: از نظر مکتب حنبلی و حتی اشعری، علل طبیعی، کوچک‌ترین تأثیری در پدیده‌ها ندارند، بلکه این سنن الهی است که به همراه آتش، حرارت و به همراه آب، سردی پدید می‌آورد، اما خود آب و آتش، در پدیده‌ها، کوچک‌ترین تأثیری ندارند و شعار بزرگان این دو مکتب شعر زیر است:

و من یقل بالطبع او بالعله
فذاک کفر عند أهل الملة

هر کس بگوید این اثر طبیعی چیزی است یا چیزی علت چیز دیگری است، این سخن نزد مسلمانان کفر به شمار می‌رود.

در این مکتب، تماس با بدن پیامبر(ص) اثری در خیر و برکت ندارد و نسبت این آثار که با بدن او تماس داشته با آثار کنونی که به نوعی به آن حضرت وابسته است، یکسان است.

ثانیاً: شیخین وصیت کردند که آنان را در کنار قبر پیامبر(ص) به خاک بسپارند. حتی عمربن خطاب پیامی به عایشه فرستاد و از او اجازه گرفت که در کنار قبر پیامبر به خاک سپرده شود. ابن اثیر داستان را چنین بیان کرد:

عمر فرزند خود را به خانه عایشه فرستاد و او را در حال گریه کردن دید. گفت: پدرم سلام می‌رساند و از تو اجازه می‌خواهد که در کنار دو یار خود، دفن شود. عایشه گفت: من آنجا را برای خود نگه داشته بودم. اکنون او را بر خود مقدم می‌دارم.[9] از اینکه او علت دفن خود را، بودن در کنار دو یار خویش بر می‌شمارد، جز این نیست که می‌خواهد از وجود آن دو تبرک بجوید.

ثالثاً: در گذشته یادآور شدیم که از احمد بن حنبل درباره بوسیدن قبر پیامبر سؤال کردند، او گفت: اشکالی ندارد، آیا سنگ و گل قبر موجود در زمان احمد (نیمه قرن سوم) همان سنگ و گل دوران نخست بوده است؟

مهرورزیدن به پیامبر و عترت آن حضرت، از اصول مسلم در اسلام است و آیات و روایات در آن مورد، فزون‌تر از آن است که در اینجا نقل شود و اعمال زائران در حرمین شریفین، از مظاهر و مصادیق مهرورزی به پیامبر است.

رابعاً: یادآور شدیم که عبدالله بن عمر و همچنین فرزند او در نقاطی که پیامبر نماز خوانده بود، نماز می‌گذارند آیا باد و طوفان هیچ نوع دگرگونی در آن خاک ایجاد نکرده بود؟[10]

۲- تبرک نوعی بدعت است

می‌گویند: تبرک نوعی عبادت است و عبادات، توقیفی است و هیچ‌کس نمی‌تواند از خود، عبادتی را اختراع کند و آنگاه به آن تبرک جوید. ابن تیمیه می‌گوید: استلام دو رکنی که در طرف حجرالاسود قرار گرفته‌اند و دیوارهای کعبه و مقام ابراهیم و صخره بیت‌المقدس و قبر هیچ یک از انبیا و صالحان درست نیست، زیرا این کار بدعت است.[10]

مقصود ابن تیمیه آن است که این کار بدعت در عبادت است، ولی سخن وی از دو نظر مخدوش است:

اولا: تبرک؛ خواه در مورد مشروع و خواه در غیرمشروع (از نظر وی)، مطلقا از مقوله عبادت به معنی پرستش نیست، برای توضیح به دو نوع عمل توجه کنیم: نماز و روزه و حج خانه خدا، پرستش خدا است، در حالی که پرداخت فرایض مالی مانند زکات و خمس و صله‌رحم و نیکی به ایتام، عبادت خدا نیست، بلکه اطاعت امر خدا است، عبادت خدا، اطاعت خدا است، ولی اطاعت خدا در همه‌جا، پرستش او نیست. لذا در علم اصول اوامر الهی به دو نوع تقسیم شده است: «اوامر عبادی» و «اوامر قربی» و برای هر دو پاداش هست، ولی قسم نخست عبادت خدا و قسم دوم، موجب خشنودی او و مایه نزدیکی بنده به رحمت حق است[11] از این بیان روشن می‌شود تبرک به آثار پیامبر خدا عبادت خدا و یا پیامبر نیست، بلکه یک رشته اعمالی است که موجب رضای خدا و وسیله نزدیکی بنده به خداوند متعال است.

ثانیا: فرض کنیم تبرک از مقوله عبادت است، ولی در صورتی بدعت شمرده می